



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۱، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۳۴-۳۴۵

اهمیت صنایع روستایی با تاکید بر تجارب سایر کشورها

لیلا کارپیشه

گروه کشاورزی، واحد پارس آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس آباد مغان، ایران

Karpisheh2003@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

چکیده

زدودن محرومیت و ایجاد اشتغال و تامین عدالت اجتماعی و ... به کرات مورد تاکید مدیران طراز اول کشور قرار گرفته است. توجه به مصالح کلی مملکت در سطح ملی (به طور دائم) و درک ضرورت ها، همچنین توجه به این واقعیت که درصد بالایی از جمعیت کشور در روستاها به سر می برند (به طور خاص)، برنامه ریزی برای این جمعیت عظیم را امری ضروری می داند. از طرف دیگر کشاورزی به عنوان محور اصلی توسعه و ضامن استقلال سیاسی، اقتصادی ما می باشد لذا پرداختن به مسائل و مشکلات روستاییان می تواند استقلال سیاسی و اقتصادی ما را تضمین کند. حمایت از بخش کشاورزی با کاهش بیکاری های پنهان و آشکار و ایجاد صنایع تبدیلی در جوار کشاورزی و دامداری در جهت تقویت ساختار اقتصادی امر بدیهی و در دراز مدت اجتناب ناپذیر می باشد. پرداختن به صنایع روستایی فواید بیشماری دارد که از جمله می توان به ایجاد تعادل نسبی بین جوامع شهری و روستایی، کاهش فقر، کاهش مهاجرت و ایجاد اشتغال، عدم وابستگی و ... نام برد؛ لذا تحقیق و تفحص در مدیریت کسب و کار روستایی به عنوان یک ضرورت در برنامه های رشته کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک تلقی می گردد. مقاله حاضر بر آن است که با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای ضمن تعریف و شناسایی ویژگی های صنایع روستایی و تاکید بر تجارب سایر کشورها، اهمیت صنایع روستایی و مشکلات استقرار آنها را ذکر کرده تا زمینه توسعه این صنایع در روستاهای کشور فراهم گردد.

کلمات کلیدی: کسب و کار، صنایع روستایی، اهمیت



شاپا الکترونیکی: 2645-3851

مقدمه

یکی از عملکردهای مهم در جهت اشتغال، بالا بردن درآمد افراد و در نهایت جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها صنعتی کردن روستاها می باشد. با توجه به این مطلب که صنایع روستایی مکملی برای دو بخش کشاورزی و دامپروری به شمار می آید لذا ابتدا به اهمیت صنایع روستایی و تعریف این صنایع پرداخته و خصوصیات آن مورد بررسی قرار می گیرد و بعد از طبقه بندی آنها، روشهای توسعه و حمایت و مشکلات استقرار این صنایع مورد بررسی قرار می گیرد.

اهمیت صنایع روستایی

صنعتی سازی روستایی، به عنوان فرایندی که ابزارهای مناسب برای متنوع سازی اقتصاد روستایی فراهم می آورد، رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستائیان و بالطبع زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می سازد (Lee.queiruga et al., 2007, Radpear, 2008)

درباره اهمیت صنعتی کردن روستاها مینا (۲۰۰۷) معتقد است توسعه صنایع روستایی با کمک سرمایه گذاری در توسعه فضایی منجر به ارتقاء شاخص های زیست پذیری روستائیان گردیده است (Meena, 2007). جوهرن (۲۰۰۷) بر این باور است، ایجاد صنایع به بازساخت مطلوب نواحی روستایی از نظر اقتصادی - اجتماعی و محیطی کمک کرده است. به موازات دیگر بخش های اقتصادی و اجتماعی، باید صنعت را به مثابه مهم ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفت. ماهیت و الگوی صنعتی شدن؛ چه در صنایع کوچک مقیاس و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطقه ای است (Chadwilk, 2007). اغلب طرح ها در مناطق روستایی به شکست منجر شده است و راه حل کاهش فقر و بیکاری را در توسعه صنایع روستایی جستجو می کند (Pears, 2007).

در واقع صنعتی شدن و طرح ریزی مطلوب صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد توسعه پایدار و به عنوان آخرین راه حل مشکل فقر روستایی، بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می شود (طاهرخانی، ۱۳۸۰). صنایع کوچک و متوسط نقش بسیار مهمی در اشتغالزایی برای کارگران با مهارت محدود و حتی زنان کم درآمد روستایی دارند (امین آقایی، ۱۳۸۷). همچنین صنایع کوچک به دلیل تکیه بر داده ها و منابع محلی و ماهیت کاربر آن ها، با توجه و فور نیروی کار و نیاز به

تکنولوژی‌های ساده، مناسب‌ترین گزینه صنعتی محسوب می‌گردد (رضویان و بلداجی، ۱۳۸۸) بنابراین با توجه به ظرفیت اشتغال زایی آن‌ها از یک سو و گسترش بیکاری در این نوع مناطق از مهمترین ارکان توسعه به حساب می‌آید (تولایی، ۱۳۷۵).

به طور خلاصه استقرار و توسعه صنایع در روستاها به دلایل زیر حایز اهمیت می‌باشد:

- ۱- ایجاد اشتغال برای نیروهای مازاد در بخش کشاورزی
- ۲- حمایت و پشتیبانی از بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش
- ۳- تبدیل محصولات کشاورزی به کالا و خدمات مورد نیاز کشور و جلوگیری از خروج بی رویه ارز
- ۴- اتکا صنایع روستایی به منابع داخلی کشور و استفاده بهینه از امکانات و استعدادهای این مناطق
- ۵- کمک به تولیدات صنعتی کشور و حرکت در جهت استقلال اقتصادی
- ۶- ایجاد کیفیت‌های جدید زندگی در جهت رشد و تعالی انسان‌ها
- ۷- کمک به رشد و توسعه مناطق روستایی و ایجاد تعادل و توازن بین مناطق شهری و روستایی
- ۸- بسط سیاست‌های عدم تمرکز در فعالیت‌های صنعتی بین مناطق شهری و روستایی
- ۹- توزیع عادلانه درآمد بین مناطق شهری و روستایی و کمک در حصول تامین عدالت اجتماعی
- ۱۰- ایجاد تنوع در اقتصاد روستاها فعال کردن بخش صنعت در روستا علاوه بر جذب نیرو در سایر بخش‌های خدماتی و توزیعی درآمد روستاییان افزایش می‌یابد.
- ۱۱- کاهش و جلوگیری از مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها و ایجاد جذابیت جهت مهاجرت معکوس و یا حداقل تثبیت سکونت در روستاها

تعریف صنایع روستایی

از آنجا که صنایع روستایی ممزوجی از صنایع دستی، صنایع خانگی، بومی، سنتی و صنایع تبدیلی و متکی به مواد اولیه زراعی و دامی و احیاناً مواد معدنی موجود در محیط روستا می‌باشد لذا این قبیل فعالیت‌های تولیدی

زراعی انجام شده در روستا با اتکا به امکانات طبیعی و تولید زراعی و دامی محلی ممکن می گردد که در مجموع صنایع روستایی نامیده می شود (امیرانی، ۱۳۷۸)

طبق تعریف کمیته صنایع روستایی جهاد سازندگی صنایع روستایی صنایعی هستند که از ویژگی های زیر برخوردار باشند: (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵).

۱- حتی المقدور تامین کننده نیازهای کشاورزی و دامپروری و مکمل و پشتیبان آن بوده و با شرایط جغرافیایی متناسب و مغایر رشد تولید کشاورزی و دامی باشد.

۲- حتی المقدور متناسب احتیاجات روستاییان بوده و زمینه ساز خودکفایی اقتصادی و صنعتی کشور باشد.

۳- از نظر تکنولوژی در سطحی باشد که در روستاها قابل ایجاد و بهره برداری بوده و به بالا رفتن دانش فنی روستاییان کمک کند.

۴- حتی المقدور سرویس و نگهداری و تعمیر آن در محل امکان پذیر باشد.

۵- تامین مواد اولیه و ابزارآلات آن حتی الامکان به ترتیب در محل یا منطقه در داخل کشور میسر باشد.

با توجه به مطالب فوق می توان گفت که صنایع روستایی شامل صنایع دستی، صنایع کوچک و صنایع تبدیلی کشاورزی است که تناسب با وضعیت و فرهنگ روستاهای کشور ما داشته و عموماً این دسته از صنایع از درون روستا به حرکت در می آید و نقش اصلی در این جا به عهده روستایی است و تا حد امکان از تکنولوژی بومی که نیاز به دانش فنی پیچیده ای نخواهد داشت استفاده می شود.

ویژگی ها و ساختار صنایع روستایی

صنایع روستایی دارای خصوصیات و ویژگی هایی است که مهم ترین آنها عبارتند از: (رحیمی، ۱۳۸۳)

۱- بومی بودن این صنایع به طوری که محل اشتغال خنثی برای بیکاران فصلی ایجاد می کند.

۲- سادگی فرایند تولید و سرمایه گذاری کمی را طلب می کند.

۳- دارای تکنولوژی ساده ای است.

۴- به عنوان مکمل برای بخش کشاورزی و دامپروری عمل می کند.

۵- امکان اشتغال زنان و کودکان روستایی نیز در صنایع روستایی فراهم است.

۶- توسعه و گسترش صنایع روستایی ضمن ایجاد اشتغال برای بیکاری فصلی یکی از مهم ترین عوامل کنترل مهاجرت روستاییان به شهرهاست.

۷- با اشاعه نوآوری به ارتقا سطح تکنولوژی روستا کمک می کند.

۸- با تنوع بخشی به اقتصاد روستاها قسمتی از سرمایه و مازاد بخش کشاورزی را در روستا جذب می کنند.

طبقه بندی صنایع روستایی

صنایع روستایی را می توان به سه دسته صنایع دستی، صنایع تبدیلی، خدمات صنعتی روستاها تقسیم بندی نمود. از مهم ترین رشته صنایع دستی می توان قالی بافی، گلیم بافی، حصیربافی، کوزه گری و سفالگری، کاشی و مینیاتورسازی، قلاب دوزی و قلمکاری و ... را نام برد. بدیهی است که توجه به صنایع روستایی و تبدیلی منجر به افزایش تولید سرانه و نهایتاً افزایش سطح اشتغال در روستا می گردد که خود موجب کاهش بیکاری پنهان و آشکار گشته و سیل مهاجرت ناخواسته روستاییان را مهار نموده و به شدت کاهش می دهد (امین آقایی، ۱۳۸۷).

صنایعی که فرآورده های کشاورزی و دامی را تبدیل به مواد و کالای نیمه ساخته و یا آماده مصرف می سازد صنایع تبدیلی می نامند که متکی به انواع محصولات و فرآورده های تولید روستاها می باشند. این قبیل صنایع، خوشبختانه به سرمایه گذاری بسیار زیادی نیاز نداشته و می توانند به خوبی تامین گردند. از جمله صنایع تبدیلی در روستا می توان به صنایع لبنیات سازی، رب گوجه و تهیه خشکبار اشاره نمود (جبریلی، ۱۳۸۲).

از مهم ترین فعالیت خدمات فنی روستاها می توان تعمیر و نگهداری ماشین های کشاورزی در روستا، تعمیرات وسایل خانگی، لوله کشی و آبرسانی، جوشکاری و برق، فراهم نمودن امکانات بهداشتی و درمانی و آموزش مسائل تولیدی کشاورزی را نام برد.

طبقه بندی دیگری که در معاونت صنایع روستایی جهاد سازندگی سابق اعمال می شد بر اساس نوع محصولات تولیدی بود. البته صنایع خانگی از این طبقه بندی مستثنی است. بر اساس این طبقه بندی صنایع روستایی در ۶ دسته قابل تعریف اند: (موسوی شاهرودی، ۱۳۸۳)

۱- صنایع غذایی: مانند رب، کمپوت، رشته آش، ماکارونی، پنیر، آرد و غیره.

۲- صنایع سلولزی: مانند مقواسازی، کندوسازی، مبلمان و غیره.

۳- صنایع شیمیایی: مانند تولید انواع لوله های پلی اتیلن، ظروف یکبار مصرف و غیره.

۴- صنایع نساجی: مانند پارچه بافی، ابریشم کشی، گتایی، موکت و غیره.

۵- صنایع فلزی: مانند جوشکاری، ادوات کشاورزی و غیره.

۶- صنایع کانی غیر فلزی: مانند گچ خاکی، آهک و آجر و غیره.

و اما بعد از ادغام وزارت خانه های کشاورزی و جهاد سازندگی سابق که تحت عنوان وزارت جهاد کشاورزی تاسیس گردید ضمن آن که هر دو وزارت خانه سابق به وظایف قبلی خود تاکید دارند به صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی عنایت ویژه ای شده و در ماده ۸ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی وظیفه ایجاد و توسعه صنایع کوچک تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی به وزارتخانه تازه تاسیس محول شده است.

مسائل و مشکلات استقرار صنایع روستایی

عمده ترین مسایل و مشکلات استقرار صنایع روستایی عبارتند از: (کاوایی، ۱۳۷۴)

- کمبود امکانات زیربنایی از جمله راه، آب، برق، سوخت، مصالح، تجهیزات و ماشین آلات در مناطق روستایی
- مشکلات مربوط به نیروی انسانی و دانش فنی مورد نیاز تولیدکنندگان
- مشکل مربوط به تامین اعتبار و تسهیلات بانکی
- تعدد و عدم هماهنگی سازمان های دست اندرکار
- مشکلات مربوط به توان کارشناسان بانک و جهاد در مورد راهنمایی های لازم به تولیدکنندگان
- مشکلات مربوط به محیط زیست و ساخت طبیعی و فیزیکی روستاهای ایران
- مشکلات مربوط به نبود بازارهای همیشگی

شناخت وضعیت صنایع روستایی کشور

بر طبق بررسی های ساختاری جغرافیایی کشور، انواع صنایع روستایی به طور پراکنده بر اساس استعدادهای مناطق کشور پراکنده هستند. صنایع کوچک نو تا سال ۱۳۴۳ در ایران ناشناخته بودند و اغلب کارگاه های کوچک در همان محدوده صنایع سنتی قرار داشتند. با گسترش موج صنعتی در ایران دامنه این صنایع در ابتدا به صورت مجتمع های کشت و صنعت به روستاها کشانده شد. به تدریج صنایع روستایی به صورت های مختلف (کوچک، متوسط - بزرگ) در روستاها استقرار یافتند. نتیجه بررسی های انجام شده بر روی اطلاعات آماری صنایع روستایی کشور در سال های بین (۶۵-۱۳۵۵) نشان می دهد که در سال ۱۳۵۵ ۷۸/۸ درصد از اشتغال صنعتی مناطق روستایی مربوط به صنایع نساجی، پوشاک و چرم بوده که عمدتاً صنایع سنتی و دستی از قبیل قالی بافی و گلیم بافی است. شاغلین صنایع غذایی فقط ۵۱/۴ از کل شاغلین صنعتی روستایی را تشکیل می دهند. در سال ۱۳۶۵ سهم شاغلین صنایع مواد غذایی همچنان کم بوده و کمتر از ۱۰ درصد باقی مانده است (مطیعی لنگرودی ۱۳۸۲، به نقل از درویشی ۱۳۹۷)

میزان پراکندگی صنایع روستایی بدین گونه است که استان خراسان بیشترین سهم و حدود ۱۳ درصد در آذربایجان غربی، ۸ درصد در صنایع را دارا هستند.

جدول ۱- توزیع جغرافیایی مراکز تولید صنایع دستی و روستایی ایران

یزد، اصفهان، مازندران، خراسان، آذربایجان	نساجی دستی
کاشان، کرمان، آذربایجان، همدان، خراسان، اصفهان، فارس و یزد	قالی بافی و گلیم بافی
بلوچستان، کرمان، اصفهان، آذربایجان، خراسان	سوزن دوزی و روکاری
مشهد، قم، کرمان، نطنز	ساخت فرآورده های سنگی
اصفهان، همدان، خراسان، مازندران، فارس، آذربایجان شرقی، بلوچستان	سفال و سرامیک سازی
تهران، میند فارس	شیشه گری
اصفهان، تهران، شیراز	ساخت فلزات

جایگاه صنایع روستایی در سایر کشورها

۱- هند

صنایع روستایی و صنایع دستی در هند از قدمت تاریخی برخوردار است و یکی از عناصر عمده فرهنگ و وحدت این سرزمین بوده است. صنایع این کشور در طول حکومت استعماری انگلیس دچار رکود شد بنابراین سعی و تلاش رهبران ملی در دوران مبارزه برای استقلال حفظ و ایجاد صنایع بوده است. صنایع کوچک

روستایی عمدتاً در مقابل صنایع بزرگ قرار گرفته و به عنوان بخشی از میراث ملی هند قلمداد می شود. بررسی وضعیت مسایل و آینده صنایع کوچک و روستایی در سطح کشور توسط کمیته برنامه ریزی ملی که در سال ۱۹۳۸ توسط کنگره ملی هند تحت ریاست جواهر لعل نهرو تشکیل شده بود صورت گرفت. (Chandra, 1992)

با شروع برنامه های توسعه اجتماعی در هندوستان مرکز کارآموزی در سراسر کشور برای آموزش بیش از یکصد هزار کارگزار ترویجی آغاز به کار نمودند. بیست مرکز کارآموزی تربیت کارگزاران در سطح روستا متقبل شدند. گردانندگان اصلی تعاونی ها زنان روستایی بودند و از سه گروه مددکار ترویجی استفاده می گردید. (Meena, 2007)

اول: زنان مروج کشاورزی که در هر منطقه هستند

دوم: مامورین زنان سایر دستگاه های دولتی که در روستا فعالیت دارند

سوم: زنان روستایی مسن.

در هند توسعه صنایع کوچک از طریق نمایندگان اداری توسعه صنایع کوچک با سازمان صنعتی صورت می گیرد. سازمان مذکور در سال ۱۹۵۴ تاسیس گردید که هم اکنون دارای ۲۵ موسسه خدماتی صنایع کوچک، ۲۰ موسسه فرعی و ۴۱ مرکز وسیع می باشد که در سراسر کشور پراکنده اند علاوه بر سازمان توسعه صنایع کوچک دو موسسه دیگر وجود دارد یکی شرکت ملی صنایع کوچک که تصدی بخش عمومی را به عهده دارد و دیگری موسسه گسترش آموزش های صنایع کوچک که مرکز اصلی آموزش پرسنلی است که در رابطه با صنایع کوچک قرار می گیرند. در سطح کشور علاوه بر سازمان توسعه صنایع کوچک سازمان های دیگری نیز هستند که در رابطه با منسوجات دستی و صنایع دستی انجام وظیفه می کنند. سازمان توسعه صنایع کوچک زیر نظر وزارت صنایع می باشد اما منسوجات دستی و صنایع دستی زیر نظر وزارت بازرگانی اداره می گردد (عصاری و متقی، ۱۳۸۷).

۲- چین

چین یکی از کشورهای جهان سوم در حال توسعه می باشد که در زمینه های تکنولوژی تولید ماشین آلات و توسعه کشاورزی در مقایسه با کشورهای رو به رشد پیشرفت قابل توجهی داشته است. ایجاد تقاضا در نواحی روستایی برای تکنولوژی های مناسب و بسط چنین تکنولوژی هایی از جنبه های مهم مرحله توسعه کنونی

کشور چین به حساب می آید. در جمهوری خلق چین، ۲۵ درصد از ارزش کل محصولات صنعتی چین را صنایع روستایی تشکیل می دهد. (Radpear, 2008)

در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد ابزار آلات کشاورزی، همچنین تولید ۵۳ درصد از مصالح ساختمانی، ۵۰ درصد پوشاک و کفش، ۴۳ درصد سولفات آهن، ۲۵ درصد منسوجات، ۳۰ درصد تولید زغال سنگ، ۶۳ درصد تولید کود شیمیایی و ۵۰ درصد سیمان مورد نیاز در کارخانه های مستقر در مناطق روستایی تولید می گردد. در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ در مدت ۶ سال شمار بنگاههای اقتصادی در مناطق روستایی ۲۱۴ برابر گردیده است و ارزش تولید ناخالص بنگاه ها ۴ برابر شده است و از تعداد ۵۶ هزار واحد به بیش از ۱۳ میلیون واحد افزایش پیدا کرده است. در کشور چین صنایع روستایی به دو بخش دستی و ماشینی و هریک از آنها به دو بخش خانگی و کارگاهی تقسیم می گردد. یکی از صنایع پررونق ممتاز چین، قالی بافی است که به صورت رقیب جدی فرش ایرانی در سطح بازارهای بین المللی قلمداد می شود. (Skinner, 2007)

۳- ژاپن

وضعیت در کشور ژاپن با چین مقدراری تفاوت دارد. در ژاپن خط مشی درگیری شدید بخش صنایع کوچک و بزرگ ولی با سیستم بازار آزاد پذیرفته شده است. در این کشور موسسات کوچک سرمایه گذاری بر اثر تلاش طبقه بازرگان به وجود آمده است. صنایع و موسساتی که در دهه ۵۰ و ۶۰ به عنوان حرفه های اصلی رشد اقتصادی ژاپن عمل کردند و به این ترتیب اقتصادی با ساخت دوگانه در ژاپن به وجود آوردند اقتصادی با کمپانی های بزرگ که بازار اصلی فروش صادرات را تشکیل داده اند اما بنیاد خویش را بر واحدهای کوچک فراوانی که در سرتاسر کشور گسترده است بنا نموده اند. در کشور ژاپن دفتر موسسات کوچک وظیفه توسعه صنایع کوچک را به عهده دارد که جزئی از وزارت بازرگانی و صنعتی بین المللی است. (Moghaddam, 2000)

۴- اندونزی

در کشور اندونزی واحدهایی که بین ۱۹-۵ کارگر داشته اند در رده یک موسسه کوچک قرار می دهند. بانک اندونزی موسسه کوچک را به وسیله ارقام مالی مشخص می کند. ولی بخش صنعت معیار دیگری مانند سرمایه گذاری در کارخانه به ازای هر کارگر و مالکیت را در ارتباط با صنایع کوچک انتخاب نموده است. در این کشور تفاوتی بین صنایع کوچک و صنایع روستایی گزارش نشده است. البته بیش از ۹۰ درصد از موسسات

کوچک در گروه صنایع روستایی بوده که هر کدام یک تا چهار نفر را در استخدام خود دارند (Chandra, 1992).

۵- پاکستان

بر اساس آمارگیری در سال ۱۹۷۲ کل نیروی کار پاکستان ۱۸/۴ میلیون نفر است که ۱۴/۳ میلیون نفر آن در مناطق روستایی سکونت دارند. تعداد افرادی که در سال ۷۰-۱۹۶۹ درگیر کارهای تولیدی بودند حدود ۲/۳ میلیون نفر می باشد که تقریباً به طور مساوی در مناطق شهری و روستایی تقسیم گردیده اند. اما علی رغم این که اقتصاد پاکستان براساس کشاورزی استوار است. در هر صورت در پاکستان نیز تعریف دقیقی از صنایع کوچک در دست نیست. مثلاً صناعی که ماشین آلات تولیدی به ارزش ۵ میلیون روپیه دارند در رده بخش صنایع کوچک قرار می گیرند (Chandra, 1992).

خلاصه و نتیجه گیری

صنایع روستایی را می توان ممزوجی از صنایع دستی و سنتی، صنایع تبدیلی و متکی بر مواد اولیه و کشاورزی معرفی نمود. تجارب کشورهای مختلف در امر صنایع روستایی حاکی از آن است که هنگامی این صنایع رشد و توسعه می یابند که مکمل با برنامه های دیگر و به صورت جزئی از کل در نظر گرفته شوند. در واقع توسعه صنایع روستایی می بایست از دو جنبه انسانی و فنی مورد توجه قرار گیرد. استقرار صنایع مناسب در محل مناسب اگرچه می تواند بیش ترین تاثیر را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی به همراه داشته باشد؛ (از جمله افزایش تولید و درآمد سرانه، کاهش مهاجرت روستاییان، افزایش سطح اشتغال و نهایتاً خودکفایی). اما رشد علمی و ترقی دانش فنی که لازمه استقرار صنعت می باشد موجب بهبود وضعیت روستاییان می گردد.

فهرست منابع

- امیرانی، م. ه. (۱۳۷۸). استقرار صنعت در روستا در بهره وری بخش کشاورزی. جهاد، شماره ۲۱۶-۲۷۱. ص ۴۲.
- امین آقایی، م. (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر عملکرد صنایع کوچک از دید کارشناسان توسعه روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹۹، شماره ۴، صص: ۱۴۶-۱۲۵.
- تولائی، س. (۱۳۷۵) درآمدی بر مبانی جغرافیای اقتصادی (صنعت، حمل و نقل و انرژی)، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم؛ تهران.

- جبرئیلی، م (۱۳۸۲). اهمیت صنایع تبدیلی در توسعه کشاورزی، ماهنامه صنایع غذایی و کشاورزی، انتشارات جهاد کشاورزی شماره ۱۲.
- درویشی، ح. (۱۳۹۷). تحلیل وضعیت صنایع روستایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی. جغرافیا و روابط انسانی. دوره ۱. شماره ۳.
- رحیمی، ع. (۱۳۸۳). تبیین ویژگی های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی. انتشارات وزارت جهاد کشاورزی.
- رضویان، م.ت. و رحیمی بلداجی، ا. (۱۳۸۱). نقش صنایع کوچک در توسعه منطقه ای. جغرافیا: دوره: ۳، شماره: ۸-۹. صص ۱۶۴-۱۴۵
- طاهرخانی، م. (۱۳۸۰). نقش نواحی صنعتی در نواحی روستایی، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۰، دانشگاه تهران، ۳۳ - ۴۵.
- عصاری، ع. و متقی، س. (۱۳۸۷). تاثیر صنایع کوچک بر موفقیت برنامه ریزی در کشور هندوستان. اولین همایش ملی توسعه فعالیتهای اقتصادی
- کاویانی، م.ر. (۱۳۷۴). بررسی مشکلات صنایع روستایی و راه های گسترش و توسعه آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن. (۱۳۸۲). برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- موسوی شاهرودی، س.م. (۱۳۸۳). صنایع کوچک، محور توسعه روستایی، تهران. وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۵)، صنایع روستایی و رهنمودهایی برای توسعه تهران: سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی.

-Chandra, R.(1992). Industrialization and Development in the Third World, London, Routledge,.

Chadwick, W. (2007), Spatial Organization in Rural Areas. New York: Prentice-Hall.

Lee, S. (2007), Diversification of the Rural Economy:A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea. Pyongyang: INSES. Oxford: Blackwell.

Skinner, N. M. (2007), "Social and environmental regulation in rural China". Geoforum. Vol. 34. No. 2.

Moghaddam, S, M. (2000). IR Iran country paper Rural Based- small Industries in Asia and Pacific, Tokyo, Japan.

Miao, chan. (2005): Newruralspaces: Theimpactofrural industrializtipn on Rural – Urban Transation in China.

Meena, S.P. (2007)_Rural industrialization process, Director Industries, India

Pears, R. (2007), Location, Development, Industry. Oxfords: Blackwell.

Radpear, G (2008) Rural Planning (New Approach). London: Blackwell.